



طراحی و اعتبار یابی آموزش تلفیقی مبتنی بر شبکه های اجتماعی مجازی در آموزش دانشگاهی

زهرا آزاد دیسفانی*
حسین کارشکی**
سید امیر امین یزدی***
محمد سعید عبدخدایی****

چکیده

هدف پژوهش حاضر، طراحی و اعتبار یابی آموزش تلفیقی مبتنی بر شبکه های اجتماعی مجازی با رویکرد سازنده گرایی اجتماعی در آموزش دانشگاهی بوده است. برای دستیابی به هدف پژوهش، از روش تحقیق ترکیبی استفاده شد. در بخش کیفی به منظور به دست آوردن طراحی آموزش تلفیقی، از روش تحلیل محتوای قیاسی و در بخش کمی برای اعتباریابی درونی از نظر متخصصان به روش پیمایشی استفاده شد. در این تحلیل پس از تعریف نظری هر یک از مفاهیم اصلی در پژوهش، با مراجعه به متون علمی موجود پیرامون مؤلفه های آموزش های مبتنی بر سازنده گرایی اجتماعی، آموزش مبتنی بر شبکه های اجتماعی مجازی و نیز آموزش تلفیقی در بازه زمانی ۲۰۱۸-۲۰۰۰، تعداد ۵۳ متن علمی با روش نمونه گیری غیر تصادفی هدفمند، انتخاب و مطالعه گردید. بر اساس تحلیل محتوای انجام شده، ۶ مؤلفه تجزیه و تحلیل، تعیین اهداف و محتوای آموزشی، تعیین ابزارها و رسانه های آموزشی، تعیین عناصر آموزشی برای اجرا، طراحی تعامل و ارزشیابی به همراه عناصر هریک از این مؤلفه ها شناسایی شد. در پایان نیز با استناد به الگوهای طراحی آموزشی موجود، طراحی آموزش تلفیقی مبتنی بر شبکه های اجتماعی با رویکرد سازنده گرایی اجتماعی ارائه گردید. نتایج حاصل از اعتبار یابی درونی نشان داد که طرح آموزش پیشنهادی، از اعتبار مناسب و خوبی برخوردار بوده است و از اثر بخشی لازم برای آموزش دانشگاهی برخوردار می باشد.

واژگان کلیدی

آموزش تلفیقی، شبکه های اجتماعی مجازی، سازنده گرایی اجتماعی، آموزش دانشگاهی

* دانشجوی دکتری، روان شناسی تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران zahra.azad47@ yahoo.com

** دانشیار گروه روان شناسی مشاوره و تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران kareshki@ um.ac.ir

*** استاد گروه روان شناسی مشاوره و تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران yazdi@ um.ac.ir

**** دانشیار گروه روان شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران abdkhoda@ um.ac.ir

نویسنده مسؤول یا طرف مکاتبه: حسین کارشکی

مقدمه

آموزش فرایندی دو سویه و هدفمند است که در قالبی به نام تدریس، یادگیری صورت می‌گیرد و یادگیری محصول نهایی فرایند تدریس است که معمولاً با تغییراتی در ساختار شناختی، گرایش‌ها و توانش‌های یادگیرندگان ظاهر می‌گردد. در فرایند تدریس و یادگیری، استاد و مربی در یک طرف و مخاطبان آموزشی در طرف دیگر قرار دارند اما از آنجا که هر آموزشی، یادگیری را به دنبال ندارد، پژوهش‌های مختلف راهکارهایی برای اثربخشی بیشتر آموزش پیشنهاد داده‌اند که یافته‌های آن حکایت از این واقعیت دارد که استفاده صرف از شیوه سخنرانی برای دانشجویان، یادگیری آن‌ها را در پی ندارد. در عصر حاضر، استفاده از فن‌آوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات در حوزه آموزش، می‌تواند یکی از گزینه‌های مورد توجه برای پر کردن خلأهای آموزشی باشد، به طوری که موقعیت آموزشی جدیدی را ایجاد و راه‌های یادگیری دانشجویان را سازمان‌دهی مجدد کند. شبکه‌های اجتماعی مجازی^۱ از جمله ابزارهای فن‌آوری نوین است که برخی آن را به عنوان قدرتی بزرگ در جوامع کنونی معرفی نموده‌اند و دانشجویان از جمله کاربرانی هستند که بیش‌ترین استفاده از این شبکه‌ها را داشته، به‌طوریکه براساس پژوهش‌ها تقریباً تمام دانشجویان دست‌کم در یک شبکه اجتماعی نام‌کاربری داشته‌اند (Sponcil & Gitimu, 2013).

علی‌رغم رغبت دانشجویان به شبکه‌های اجتماعی مجازی، یافته‌های پژوهشی بیانگر آن است که نقش آموزشی شبکه‌های اجتماعی مجازی در مقایسه با نقش‌های دیگر، در رتبه آخر قرار دارد. بالاترین نقش شبکه‌ها، موفقیت آنها در ایجاد تبادل معلومات عمومی کاربران بایکدیگر است و موفقیت شبکه‌های اجتماعی مجازی در آموزش‌های تخصصی اقشار گوناگون پایین‌ترین رتبه و میانگین را دارد (Ezzatzadeh & et al, 2016). واقعیت موجود براین مسأله تأکید دارد که یادگیرندگان در زمان حاضر، انگیزه کم‌تری برای یادگیری به شیوه سنتی دارند. آنها آمادگی

بیش تری برای استفاده از ابزارهای چند رسانه ای در آموزش و یادگیری داشته و بیش تر با ابزارهای وب درگیر هستند (Cheraghmollaie, 2014) در حال حاضر نفوذ فن آوری اطلاعات و ارتباطات در حوزه آموزش عالی، زمینه ظهور روش های جدید آموزشی نظیر آموزش الکترونیکی و آموزش های مبتنی بر شبکه های اجتماعی را پدید آورده است.

انعطاف پذیری، راحتی، توانایی مطالعه یادگیرنده با سرعت خودش در هر زمان و مکان که امکان اتصال به اینترنت باشد، توانایی چت کردن و تبادل اطلاعات با هم، فارغ از فاصله ای که هست از مزایای آموزش الکترونیکی است (Bjork & et al, 2008). آموزش سنتی هم از امتیازات ویژه ای از قبیل: کمک مربی برای فراگیری محتوا و تشویق یادگیری، برقراری ارتباط بین تجارب گذشته و حال فراگیران، سرعت بخشیدن تسهیل گر در فرایند کسب معلومات و دریافت بازخورد از طریق دیگران (Zenger & uehlein, 2001) و از همه مهم تر وجود ارتباط چهره به چهره و مستقیم، برخوردار است. آموزش های الکترونیکی با نبود تعامل انسانی مناسب، تأخیر در بازخورد، تعویق در یادگیری غیرهمزمان و کمبود انگیزش برای خواندن مواد الکترونیکی برخط مواجه است. در پاسخ به خلا های موجود در آموزش حضوری و الکترونیکی، بسیاری از متخصصان آموزشی با ترکیب این دو روش، یادگیری تلفیقی را رویکردی امیدبخش برای حل مشکلات می دانند و معتقدند با این رویکرد می توان مزیت های هر دو نوع آموزش الکترونیکی و آموزش سنتی را حفظ کرد. آموزش تلفیقی، ترکیبی از آموزش چهره به چهره با آموزش برخط است که از آن طریق، فرصت و امکان تعامل و بازخورد در مرتبه های بالای یادگیری را آسان می کند (Graham, 2006).

طوفانی نژاد و همکاران (Toofaninejad & et al, 2018) در پژوهشی، مؤلفه ها و زیر مؤلفه های الگوی یادگیری غنی شده با شبکه های اجتماعی مجازی را برای آموزش کودکان با آسیب شنوایی استخراج و معرفی کرده اند. آنها معتقدند که یادگیرنده، محتوی و معلم، سه بازیگر اصلی محیط یادگیری بوده که از طریق بازخورد، تعامل و درگیر شدن در محیط یادگیری فعالیت

می‌کنند. محیط یادگیری نیز به وسیله سه مؤلفه ارزشیابی، پشتیبانی و منابع، غنی می‌شود. سایر یافته‌های پژوهشی، تأکید بر یادگیری از طریق همکاری، یادگیری تعاملی، فعالیت‌های معنادار، تفکر انتقادی، یادگیری هدف‌گرا، جامعه یادگیری، تفکر و عملکرد در گروه و تعامل چندجانبه بین اعضای گروه را به عنوان مؤلفه‌ها و ویژگی‌های یادگیری تلفیقی مبتنی بر سازنده‌گرایی اجتماعی مطرح می‌کنند (Ahmadi gharacheh & Dokuhi, 2016).

تحقق یادگیری تلفیقی، با استفاده از رویکرد سازنده‌گرایی^۱ و از طریق ساخت محیطی غنی امکان‌پذیر است (Lebow, 1993). این رویکرد، انسان‌ها را یادگیرندگان فعال می‌داند که باید شخصاً به ساختن دانش و کشف اصول اساسی برای خود اقدام کنند. در این میان، سازنده‌گرایی اجتماعی^۲ بر تعامل اجتماعی، فرهنگی - تاریخی و عوامل فردی به عنوان کلید رشد انسانی تأکید می‌کند (Saif, 2015). محیط اجتماعی، شناخت را از طریق "ابزارهای" خودش از جمله؛ زبان و ابزارهای فرهنگی تحت تأثیر قرار می‌دهد. لذا می‌توان گفت استفاده از فن‌آوری‌های نوین از جمله شبکه‌های اجتماعی به عنوان یک ابزار فرهنگی و اجتماعی، جایگاه ویژه‌ای در سازنده‌گرایی اجتماعی داشته و غنی‌سازی محیط یادگیری با این فن‌آوری‌ها، زمینه یادگیری معنادار، ملموس و بعضاً شبیه‌ساز را فراهم آورده و سبب تقویت و ماندگاری یادگیری فراگیران می‌شود (Herrington & Oliver, 2000).

بیان این مقدمه نشان می‌دهد که حذف هر یک از آموزش‌های حضوری یا الکترونیکی، ابعادی از یادگیری را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. به منظور برخورداری از امتیازات این دو شیوه آموزشی، مقاله حاضر، سعی دارد ضمن توجه به محیط‌های آموزشی سازنده‌گرایی اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی مجازی به عنوان یک محیط آموزشی تعاملی و نیز با در نظر گرفتن مدل‌های طراحی آموزشی موجود، به پرسش‌های زیر پاسخ دهد: (۱) مؤلفه‌های آموزش تلفیقی مبتنی بر

1. Constructivism approach

2. Social Constructivism approach

شبکه های اجتماعی مجازی با توجه به رویکرد سازنده گرایی اجتماعی کدام اند؟ (۲) طراحی آموزش تلفیقی مبتنی بر شبکه های اجتماعی مجازی با توجه به رویکرد سازنده گرایی اجتماعی چگونه است؟ (۳) آیا طرح پیشنهادی آموزش تلفیقی مبتنی بر شبکه های اجتماعی مجازی در آموزش دانشگاهی از اعتبار لازم برخوردار است؟

روش

روش پژوهش، روش ترکیبی و شامل دو مطالعه است:

الف) مطالعه اول: این مطالعه به شیوه کیفی و با استفاده از روش تحلیل محتوای قیاسی^۱ انجام شد. در این روش پژوهشگر با مفروض گرفتن برخی تعاریف و تعمیم ها به عنوان طبقات، متن مورد نظر را به صورت کیفی تحلیل می کند و به دنبال مصادیقی از تعاریف و تعمیم ها در کل متن می گردد و با مقایسه تعاریف از پیش تعیین شده و متن های مورد تحلیل به داوری در باره وجود یا عدم وجود مصادیق آن تعاریف در متن های مورد نظر می پردازد (Momeni rad & et al, 2013). پژوهشگر طرح کدگذاری خود را قبل از آغاز تحلیل داده ها، از طریق تئوری موجود یا تحقیقات پیشین پایه ریزی می کند. همچنین در فرایند تحلیل، کدهای دیگری هم به دست می آیند و کدهای قبلی حاصل از نظریه بازنگری و اصلاح می شوند. جامعه آماری این مطالعه، شامل منابع مکتوب، مقالات، پایان نامه ها و اسناد معتبر علمی نمایه شده و مرتبط با پایگاه های اطلاعاتی در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸ است. بررسی و مطالعه منابع تا اشباع نظری داده ها ادامه یافت.

ب) مطالعه دوم: روش مطالعه دوم، کمی بود. این مطالعه با هدف اعتباریابی درونی طرح پیشنهادی در مطالعه اول انجام گرفت. جامعه مورد نظر در این مطالعه شامل؛ متخصصان روانشناسی تربیتی، تکنولوژی آموزشی، برنامه ریزی درسی بود. طرح آموزشی به همراه پرسشنامه تعیین اعتبار در اختیار ۱۱ نفر از متخصصان که با روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شده بودند قرار گرفت.

به منظور جمع‌آوری اطلاعات در مطالعه دوم، از پرسشنامه تعیین اعتبار درونی استفاده شد. این پرسشنامه با هدف تعیین تناسب و هم‌راستابودن طرح پیشنهادی با اهداف پژوهش ساخته شد. تعداد پرسش‌ها ۸ سؤال بود که بر اساس طیف لیکرت از نمره ۱ (خیلی کم) تا نمره ۵ (خیلی زیاد) نمره‌گذاری شد. روایی محتوایی پرسشنامه با استفاده از نظر استادان راهنما و مشاور تأیید و پایایی آن با روش پایایی مصححان به میزان ۰/۸۲ محاسبه گردید. با مراجعه به متخصصان، پرسشنامه به همراه الگوی پیشنهادی در اختیار آنان قرار گرفت و اقدام به تکمیل پرسشنامه نمودند. علاوه بر پرسشنامه، به منظور بررسی دقیق‌تر نظرات متخصصان از مصاحبه‌ای نیمه ساختار یافته، استفاده شد و سؤالاتی پیرامون نقدها و پیشنهادهای متخصصان در مورد ابعاد مختلف طرح پیشنهادی مطرح شد. روایی صوری و محتوایی سؤالات مصاحبه نیز توسط استادان مورد تأیید قرار گرفت.

یافته‌ها

الف) مطالعه اول: پاسخگویی به سؤال اول پژوهش و تعیین مؤلفه‌های آموزش تلفیقی مورد نظر، با استفاده از روش تحلیل محتوای قیاسی میرینگ (Mayring, 2000) انجام شد. ابتدا از مفاهیم مورد نظر تعریف ارائه شده و پس از آن، مصداق‌های گویای هر یک از این تعاریف مشخص شده و طبقات مقوله‌ها و کد آنها تعیین گردید. سپس داده‌های استخراجی از مطالعه منابع در هر یک از این طبقات جای گرفت.

تعریف‌های مطرح شده در تحلیل حاضر

آموزش مبتنی بر شبکه اجتماعی مجازی: شبکه‌های اجتماعی مجازی، گونه‌ای از وب‌سایت‌های اینترنتی هستند که افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها، در آن‌ها پیرامون یک یا چند ویژگی مشترک گرد هم می‌آیند و اطلاعات، مطالب و محتواهای خود و نیز علاقمندی‌ها، احساسات، افکار و فعالیت‌های خود را در قالب کلمات، صوت، تصویر و سایر نظام‌های نشانه‌ای با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند (Ezzatzadeh & et al, 2016). در آموزش مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی،

مؤلفه‌هایی مانند: میزان آشنایی فراگیران با شبکه‌های اجتماعی مجازی، تعامل، نوع شبکه اجتماعی مجازی، ارزشیابی، زیرساخت‌های لازم برای آموزش و غیره مورد توجه قرار می‌گیرد. آموزش مبتنی بر سازنده‌گرایی اجتماعی: این شیوه آموزشی بر نقش محیط اجتماعی و تعاملات اجتماعی به عنوان تسهیل‌گر رشد و یادگیری، تأکید داشته و بر دو ایده اساسی شکل گرفته است. نخست اینکه: تحول شناختی تنها از طریق بافت فرهنگی - اجتماعی که فرد در آن قرار گرفته است فهمیده می‌شود دوم اینکه: تحول وابسته به یک نظام علامتی است که افراد با آن بزرگ می‌شوند؛ یعنی نمادهایی که فرهنگ برای کمک به افراد در اندیشیدن، برقراری ارتباط و حل مسأله فراهم می‌کند (Kadivar, 2013). بنابراین در آموزش سازنده‌گرا، مؤلفه‌هایی مانند: تعامل، فراگیر محوری، بافت فرهنگی و اجتماعی و غیره مورد توجه است.

آموزش تلفیقی: متداول‌ترین تعریف از آموزش تلفیقی عبارت است از: "ترکیبی از آموزش چهره به چهره با آموزش به وسیله رایانه، تا فرصت و امکان تعامل و بازخورد را در سطوح بالای یادگیری آسان سازد" (Graham, 2006). از جمله مؤلفه‌های این شیوه آموزش می‌توان به تعامل، درگیری شناختی، بازخورد و غیره اشاره کرد.

در ادامه، تعداد ۵۳ متن علمی شامل مقاله، پایان‌نامه و کتب فارسی و انگلیسی با هدف استخراج مصادیق مرتبط با مؤلفه‌های مفروض، مورد مطالعه قرار گرفت. پس از کدگذاری و تلفیق اطلاعات حاصله، مؤلفه‌های آموزش تلفیقی مبتنی بر شبکه اجتماعی در قالب ۶ مؤلفه اصلی و ۱۵ مؤلفه فرعی طبقه‌بندی و شرایط لازم برای تحقق هر یک از زیرمؤلفه‌ها، در قالب عناصر، از منابع مورد نظر استخراج شد (جدول ۱).

جدول ۱: طبقه‌بندی ویژگی‌های به دست آمده از تحلیل محتوای کیفی برای آموزش تلفیقی مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی مجازی با رویکرد سازنده‌گرایی اجتماعی

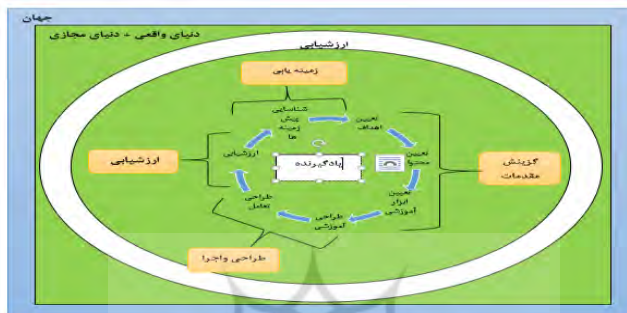
مؤلفه‌های اصلی	مؤلفه‌های فرعی	عناصر
تجزیه و تحلیل	شناخت ویژگی‌های یاددهنده	سن، سبک یادگیری، نیازهای آموزشی، دانش و تجارب قبلی، انگیزش، مهارت‌های عمومی دانشجوی و استاد در استفاده از شبکه اجتماعی، نگرش استاد و دانشجو نسبت به شبکه‌های اجتماعی
	ویادگیرنده	های اجتماعی
تعیین اهداف و محتوا	شناسایی شرایط محیطی	فرهنگ، موقعیت آموزشی واقعی (شناخت موقعیتی)، طراحی موقعیت‌های واقعی، امکانات فنی، زیرساخت‌های آموزشی و فن‌آوری مناسب
	تعیین محتوای آموزشی	اهداف عملکردی (پیامدهای یادگیری)، اهداف یادگیرنده محور، اهداف اساسی (فردی و گروهی)، اهداف مبتنی بر تعامل، اهداف مبتنی بر معیارهای واقعی
تعیین ابزارها و رسانه‌های آموزشی	تهیه فهرست رسانه‌ها و ابزارهای آموزشی	ابزارهای آموزشی متنوع با محوریت تعامل و مشارکت
	انتخاب رسانه‌ها و ابزارهای آموزشی متنوع	ابزارهای الکترونیکی (کامپیوتر، لپ‌تاپ، موبایل) و ابزارهای فناوری وب ۲ و شبکه اجتماعی، فناوری متناسب با زمینه و شرایط فراگیران، فن‌آوری بومی
تلفیق آموزش کلاسی با ابزارهای فناوری		فرصت کافی و متناسب برای فعالیت‌ها، فرصت کافی برای تفکر و تامل، تغییر زمان آموزش متناسب با شرایط فراگیران، تعیین نسبت زمانی مورد نیاز آموزش حضوری

و آموزش شبکه ای	
فضای واقعی کلاس / فضای مجازی، تعیین شبکه اجتماعی مناسب (شبکه بومی متناسب با شرایط)، تغییر مکان آموزش متناسب با نیاز فراگیران	فضای آموزشی
آموزش تلفیقی (آموزش حضوری و آموزش مبتنی بر شبکه اجتماعی) با رویکرد سازنده گرایی اجتماعی	انتخاب رویکرد آموزشی مناسب
روش های مبتنی بر مشارکت و تعاملات گروهی (یادگیری مشارکتی، گفت و شنود، مباحثه و یادگیری مبتنی بر پروژه و...)، روش های مبتنی بر یادگیری فردی) متنوع و متناسب	تعیین عناصر آموزشی برای اجرا
یادگیری مبتنی بر پروژه یادگیری مبتنی بر مسئله و...، پل زدن (بین تجربه های یادگیری خارج از کلاس و فضای رسمی کلاس)، آموزش فرایندمحور	
تقویت روش های یاددهی - یادگیری با استفاده از ظرفیت های تعاملی شبکه های اجتماعی، بازخورد های چندگانه (استاد، دانشجویان)، بازخوردهای سریع و مداوم	انتخاب بازخورد راهبردهای آموزشی
تکالیف اصیل و واقعی، پرسش های اساسی	تکالیف
گروه بندی، تعامل دانشجو- دانشجو، تعامل استاد- دانشجو (تکیه گاه سازی)، تعامل دانشجو- محتوای آموزشی، تعامل دانشجو - ابزار آموزشی، تعامل محتوا- محتوا، تعامل از طریق فضای مجازی (شبکه اجتماعی)	تعامل های چندگانه
ارزشیابی به وسیله استاد، خودارزیابی، ارزشیابی به وسیله فراگیران (همسالان)، نمونه کارها، امتحانات، پروژه های گروهی، بحث ها و تکالیف منظم و غیره/ ارزشیابی از طریق شبکه اجتماعی	ارزشیابی استفاده از شیوه ها و ابزارهای متنوع ارزشیابی

در پاسخ به سؤال دوم، منابع مورد نظر جهت شناخت و انتخاب الگوهای مناسب برای تدوین طرح آموزش تلفیقی، مطالعه گردید. مطالعات نشان داد که در طراحی آموزشی سازنده‌گرا به جای تأکید بر رعایت مراحل مشخص برای طراحی، به ویژگی‌های این آموزش اشاره شده است. بنابراین لازم بود ویژگی‌های درج شده در جدول ۱ در قالبی منسجم و مدون و همچنین مطابق با الگوهای مناسب طراحی آموزشی سازنده‌گرا ترسیم گردد. این ویژگی‌ها عبارتند از: (۱) فرایند طراحی آموزشی بازگشتی، غیرخطی و گاهی آشوبناک است. (۲) برنامه ریزی به صورت بازتابی، مشارکتی و تکاملی انجام می‌شود. (۳) اهداف از کار طراحی و پیشروی در آن پدیدار می‌شوند و از پیش تعیین شده نیستند. (۴) کارشناسان خبره طراحی آموزشی وجود ندارند. (۵) آموزش بر یادگیری در زمینه‌های معنا دار تأکید دارد (هدف، فهم شخصی در زمینه‌های معنی دار است). (۶) ارزیابی مستمر و از ابتدا تا انتها ارزشمند است. (۷) تغییرات و داده‌های ذهنی بیش‌ترین ارزش را دارند (Cheraghmollaei, 2014).

دو الگوی (Jonassen. D , 1999 ; Grabinger et al, 2015) بیش‌ترین سنخیت و همپوشی با رویکرد آموزشی سازنده‌گرایی اجتماعی و نیز آموزش‌های مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی مجازی را دارا هستند. جاناسن در نظریه "طراحی محیط یادگیری سازنده‌گرا" بر توجه به اصولی مانند: گنجاندن یادگیری در زمینه‌های مربوط و واقعی، یادگیری در تجارب اجتماعی، تشویق تملک و داشتن نظر در فرایند یادگیری، ارایه تجربه فرایند ساختن دانش، تشویق به خودآگاهی از فرایند ساختن دانش، ارایه تجربه و تقدیر از دیدگاه‌های مختلف و تشویق به استفاده از انواع روش‌های ارایه، به عنوان ویژگی‌های طراحی آموزشی سازنده‌گرا تأکید می‌کند. مدل طراحی محیط‌های یادگیری اجتماعی فرهنگی گرابینگر و همکاران (Grabinger & et al, 2007) نیز یکی از مدل‌های آموزشی مبتنی بر سازنده‌گرایی اجتماعی است. این مدل بسیار ساده، با طراحی آموزشی مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی مربوط است. از نظر آنها برنامه‌های آموزشی مرتبط با آماده‌سازی افراد برای تغییرات جهانی، نیازمند به کارگیری راهبردهای مبتنی بر پرورش تفکر

انتقادی، حل مسأله، پژوهش و یادگیری مادام العمر هستند. تحقق این اهداف منوط به اتخاذ رویکرد اجتماعی - فرهنگی با تأکید بر یادگیری از تجربه و گفتمان است. پس از تعیین مؤلفه ها، بر اساس مدل های مطرح شده، طرح اولیه آموزش تلفیقی مبتنی بر شبکه های اجتماعی مجازی تدوین گردید (شکل ۳).



شکل ۳: طرح اولیه آموزش تلفیقی مبتنی بر شبکه های اجتماعی مجازی با تأکید بر رویکرد سازنده گرایی اجتماعی

ب) مطالعه دوم: به منظور بررسی اعتبار درونی طرح و پاسخگویی به سؤال سوم پژوهش، پرسشنامه اعتباریابی درونی طرح، برای ۱۱ نفر از افراد جامعه مورد پژوهش ارسال و تحلیل های لازم بر اساس نظرات ۶ نفر از متخصصان که پاسخگویی پرسشنامه بودند انجام پذیرفت.

جدول ۲: آمار توصیفی ویژگی های طراحی آموزش تلفیقی مبتنی بر شبکه های اجتماعی مجازی

ردیف	سؤالات	فراوانی	میانگین \pm انحراف معیار
۱	ابعاد طرح پیشنهادی مناسب هستند.	۶	$۰/۵۲ \pm ۴/۶۶$
۲	مؤلفه های طرح مربوطه مناسب آموزش تلفیقی مبتنی بر شبکه اجتماعی هستند.	۶	$۰/۴۱ \pm ۴/۸۳$
۳	طرح موردنظر را در رابطه با آموزش از طریق شبکه اجتماعی مناسب می دانید.	۶	$۰/۴۱ \pm ۴/۸۳$
۴	طرح پیشنهادی برای طراحی برنامه های آموزشی از طریق شبکه اجتماعی جامع است.	۶	$۰/۵۲ \pm ۴/۳۳$
۵	پیشنهاد می کنید طراحان برنامه های آموزشی از این طرح استفاده کنند.	۶	$۰/۸۴ \pm ۴/۵$

۰/۵۲ ± ۴/۶۶	۶	طراحی آموزشی تلفیقی مبتنی بر شبکه اجتماعی کاربردی است.	۶
۰/۸۲ ± ۴/۳۳	۶	راهبردهای ابعاد طرح پیشنهادی قابل اجرا است.	۷
۰/۴۱ ± ۴/۱۶	۶	تعامل بین عناصر طرح را مناسب می دانید.	۸

اطلاعات جدول ۲ نشان می دهد که میانگین نظر متخصصان در ارزیابی اعتبار درونی الگوی طراحی شده در تمامی پرسش های مربوط به این موضوع بین ۴/۸۳-۴/۱۶ است؛ یعنی در تمامی ابعاد مثبت ارزیابی شده است. برای بررسی میزان توافق متخصصان پیرامون هر یک از ابعاد طرح آموزشی، از شاخص نسبت و درصد توافق استفاده شد.

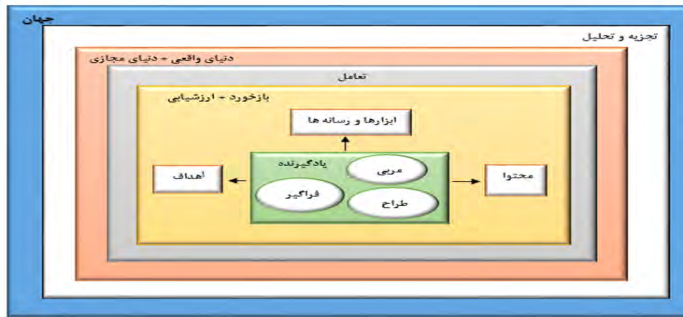
جدول ۳: شاخص نسبت و درصد توافق متخصصان پیرامون ابعاد چندگانه آموزش مبتنی بر شبکه های اجتماعی مجازی

ردیف	گویه	کاملاً موافق	موافق	نسبت توافق	درصد توافق
۱	ابعاد طرح پیشنهادی مناسب هستند.	۴	۲	۱	٪۱۰۰
۲	مؤلفه های طرح مربوطه مناسب آموزش تلفیقی مبتنی بر شبکه اجتماعی هستند.	۵	۱	۱	٪۱۰۰
۳	طرح موردنظر را در رابطه با آموزش از طریق شبکه اجتماعی مناسب می دانید.	۵	۱	۱	٪۱۰۰
۴	طرح پیشنهادی برای طراحی برنامه های آموزشی از طریق شبکه اجتماعی جامع است.	۲	۴	۱	٪۱۰۰
۵	پیشنهاد می کنید طراحان برنامه های آموزشی از این طرح استفاده کنند	۴	۱	۱	٪۸۳
۶	طراحی آموزشی تلفیقی مبتنی بر شبکه اجتماعی کاربردی است.	۴	۱	۱	٪۸۳
۷	راهبردهای ابعاد طرح پیشنهادی قابل اجرا است.	۳	۲	۱	٪۸۳
۸	تعامل بین عناصر طرح را مناسب می دانید.	۱	۵	۱	٪۸۳
		نسبت کل توافق			۰/۸۱
		درصد کل توافق			٪۸۱

داده های جدول ۳ نشان می دهد که ۱۰۰ درصد متخصصان ابعاد طرح پیشنهادی را مناسب دانسته و معتقدند که مؤلفه های این طرح برای آموزش از طریق شبکه های اجتماعی مناسب است. جامعیت طرح را ۱۰۰ درصد متخصصان تأیید نموده و آن را مناسب آموزش از طریق شبکه های اجتماعی می دانند. ۸۳ درصد متخصصان، به کاربردی بودن طرح اشاره داشته و استفاده از آن را به طراحان برنامه های آموزشی پیشنهاد می کنند. همچنین ۸۳ درصد آنها راهبردهای طرح پیشنهادی را قابل اجرا دانسته و تعامل بین عناصر طرح را مناسب ارزیابی می کنند. در مجموع، به طور میانگین ۸۱ درصد متخصصان با ابعاد مختلف این طرح موافق هستند و آن را مثبت ارزیابی می کنند.

با هدف بررسی نظرات متخصصان پیرامون انتقادهای وارد بر طرح و نیز دریافت پیشنهادات آنها، مصاحبه ای به عمل آمد. پیشنهادها و انتقادهایی توسط متخصصان مطرح شد. از جمله اینکه؛ در طرح پیشنهادی از واژه های دقیق تر در نام گذاری مؤلفه ها استفاده شود. با توجه به رویکرد سازنده گرایی اجتماعی، روابط بین مؤلفه ها مبهم بوده و لازم است بازنگری و بهتر تدوین گردد. روابط بین مؤلفه ها در سازنده گرایی اجتماعی، یک رابطه رفت و برگشتی و آشوبناک و درهم تنیده است که باید در طرح اولیه به این مهم توجه شود. جایگاه معلم یا مربی و نیز طراح آموزشی در نمودار مشخص شود. زیرساخت های لازم برای استفاده از این گونه آموزش ها در دانشگاه کم تر فراهم است که باید به این نکته توجه شود.

نتایج اجرای پرسشنامه و مصاحبه ها، حکایت از تأیید کلیت طرح توسط متخصصان داشت. با توجه به پیشنهاد آنها، مؤلفه های استخراج شده با واژه های دیگری نام گذاری شد و روابط بین آنها نیز اصلاح گردید. در پایان، طرح نهایی تدوین گردید (شکل ۴).



شکل ۴: طراحی آموزش تلفیقی مبتنی بر شبکه های اجتماعی مجازی با رویکرد سازنده گرایی اجتماعی

بحث و نتیجه گیری

استفاده صرف از آموزش های الکترونیکی و آموزش حضوری، به تدریج ناکامی های این دو شیوه آموزشی را آشکار و ضرورت آموزش تلفیقی مبتنی بر وب و اینترنت را روشن ساختند. اغلب مقالات بررسی شده در زمینه آموزش تلفیقی مبتنی بر وب و اینترنت (Al-Qahtani & Higgins, 2013; Choi & Han, 2015; Demirer & Sahin, 2013; Krasnova, 2015; Swoboda & Feiler, 2016)، کارآیی بهتر این شیوه نوین آموزشی را تأیید می کنند. این روش با افزودن شیوه یادگیری فراگیر محور به آموزش چهره به چهره و استفاده از ابزارهای تعامل محور مانند شبکه های اجتماعی مجازی، به راحتی می تواند کیفیت آموزش دانشگاهی را نسبت به دو شیوه آموزش حضوری و الکترونیکی، برای تمامی دانشجویان فراهم سازد. مطالعه رویکردهای جدید آموزشی مانند سازنده گرایی اجتماعی نیز نشان می دهد که استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی به عنوان یک ابزار در غنی سازی محیط آموزشی تعاملی، نقش بسزایی دارد. مطالعات صورت گرفته و نظر متخصصان طراحی آموزشی نیز بر تلفیق مناسب قابلیت های وب و نظریه یادگیرنده محور سازنده گرا تأکید دارند و معتقدند محیط یادگیری وب را می توان به گونه ای شکل داد که بتوان به افراد در ساخت دانش کمک کرد (Ebrahimi & et al, 2012). بنابراین، با توجه به اهمیت آموزش تلفیقی و به منظور بهره گیری بهتر از رویکرد سازنده گرایی اجتماعی در

آموزش دانشگاهی و همچنین با هدف استفاده مطلوب و بهینه از استقبال چشمگیر دانشجویان از شبکه‌های اجتماعی مجازی، پژوهش حاضر به منظور طراحی آموزش تلفیقی مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی مجازی با استفاده از رویکرد سازنده‌گرایی اجتماعی صورت گرفت.

نتایج به دست آمده از اعتبار‌یابی درونی پژوهش نشان می‌دهد که طرح پیشنهادی از کارایی لازم برخوردار است. بر اساس نتایج پژوهش، آموزش تلفیقی متناسب با شبکه‌های اجتماعی مجازی بومی و متناسب با فرهنگ کشور، نیازها و ویژگی‌های فراگیران، از اهمیت بالایی برخوردار است. طرح آموزشی پیشنهادی، طرحی یادگیرنده محور است و تقریباً تمامی مؤلفه‌ها و عناصر پیش‌بینی شده با مشارکت فعال یادگیرندگان، تدوین و برنامه‌ریزی می‌شود. عدم وابستگی آموزش به زمان و مکان، از شاخصه‌های اصلی آموزش تلفیقی پیشنهادی به شمار می‌رود، به طوری که می‌توان متناسب با شرایط فراگیران و نیز شرایط محیطی، زمان و مکان آموزش را تغییر داد. در این طرح، به مشارکت و تعامل چندگانه به عنوان مؤلفه‌ای مهم در آموزش تلفیقی اشاره شده است. همان‌گونه که لیو و همکارانش (Liu & et al, 2008) بیان می‌کنند: شبکه‌های اجتماعی مجازی، حلقه مفقوده عملیاتی ساختن مشارکت واقعی و فعال یادگیرندگان در ساخت و تولید دانش و یادگیری است. به عبارت دیگر در رویکرد سازنده‌گرایی اجتماعی، ساخت دانش به وسیله فراگیران، از طریق تعامل و مشارکت محقق می‌شود و شبکه‌های اجتماعی مجازی به عنوان یک ابزار آموزشی و از طریق ایجاد یک فضای آموزشی، زمینه ایجاد فضایی تعاملی برای ساخت دانش را فراهم می‌سازند. تحقیقات انجام شده نیز بر این مسأله تأکید دارند که ارتباط و تعامل در اینترنت به صورت افقی است نه عمودی و لذا یادگیری در محیط شبکه‌ای بسیار خودگردان و خود راهبر می‌شود و فراگیران بیشتر بر یادگیری خود کنترل دارند. این ویژگی‌ها سبب می‌شود فرآیند یادگیری فراگیران تعاملی‌تر شده و این تعامل در نهایت به یادگیری مشارکتی که از روش‌های اساسی آموزش بر مبنای سازنده‌گرایی اجتماعی است منجر می‌شود (Lai, 1999) به نقل

از (Sarmadi & Veisitarbar, 2012). فرهنگ به عنوان فاکتوری مهم در آموزش سازنده‌گرایی اجتماعی و در آموزش مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی مجازی و آموزش تلفیقی حائز اهمیت است. توجه به خرده فرهنگ‌هایی همچون جمع‌گرا و فردگرا بودن فراگیران در گروه‌بندی و ایجاد زمینه تعامل آنها در آموزش از اولویت‌های طرح پیشنهادی می‌باشد. در حال حاضر چالش‌های موجود در کاربرد شبکه‌های اجتماعی مجازی غیر بومی و نبود زیرساخت‌های مناسب، بر ضرورت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی متناسب با فرهنگ ایران و انتخاب شبکه‌های مجازی قابل استفاده در محیط‌های دانشگاهی و آموزشی و نیز شبکه‌هایی با زیرساخت‌های متناسب با شرایط دانشجویان و امکانات دانشگاه‌ها تأکید دارند. روابط بین مؤلفه‌ها و عناصر آن در این طرح، رابطه‌ای در هم تنیده و رفت و برگشتی بوده و وابسته به زمان و صرفاً مختص مرحله خاصی از آموزش نیست بلکه در تمام مراحل آموزش، این مؤلفه‌ها مورد توجه هستند.

طرح آموزشی پیشنهادی، چارچوبی را در اختیار نظام آموزش عالی قرار می‌دهد تا بتواند علاوه بر آموزش‌های چهره به چهره متداول در دانشگاه، از ظرفیت‌ها و امکانات جدید فن‌آوری‌های نوین آموزشی از جمله؛ شبکه‌های اجتماعی مجازی به شیوه‌ای هدفمند و برنامه‌ریزی شده و با هدف گسترش فضایی تعاملی و مشارکتی در یادگیری و آموزش بهره‌گیرد. علاوه بر این، کاربرد شبکه‌های اجتماعی به عنوان پایگاهی علمی و تخصصی و تأکید بر ساخت دانش از طریق تلفیق این شبکه‌ها با آموزش‌های چهره به چهره، سبب ارتقاء نقش علمی شبکه‌ها شده و آسیب‌های ناشی از کاربرد آنها را کاهش می‌دهد و بدین گونه، فضایی برای مبادله دانش و خلق ایده‌های نو فراهم می‌سازد. استفاده از این طرح، غنای محیط یادگیری و آموزش دانشگاهی و در نهایت ارتقاء مهارت‌های انگیزشی نظیر خودکارآمدی را که ریشه در تعامل و شناخت اجتماعی دارد در پی خواهد داشت.

منابع مالی: این مقاله برگرفته از رساله دکتری بوده و هزینه‌های آن توسط دانشگاه فرهنگیان تأمین شده است.

References

- Ahmadi gharacheh, A. & Dokuhi, H. (2018). Presenting the conceptual model of blended learning based on the capabilities and features of social constructivism theory. *The First National Conference on Sustainable Development in Iranian Education and Psychology*, Tehran, Iran.[In Persian]
- Al-Qahtani, A. A.Y. & Higgins, S. E. (2013). Effects of traditional, blended and e-learning on students' achievement in higher education, *Journal of Computer Assisted Learning*, 29, 220-234.
- Björk, E., Ottosson, S. & Thorsteinsdottir, S. (2008). *E-Learning for all*. In: *E-Learning: 21st Century Issues and Challenges*, Eds: A.R. Lipshitz and S.P. Parsons Chapter 3, 49-70
- Cheraghmollaie, L. (2014). Instructional Design based on virtual social networks and its impact on students constructivist learning. *PhD Thesis of Educational Psychology*. Unpublished. Kharazmi University. [In Persian]
- Choi, M. Y. & Han, T. I. (2015). A Comparison of Learning Effectiveness in Face-to-face versus Blended Learning of TOEIC. *Journal of Digital Convergence*, 13(10):517-525.
- Demirer, V. & Sahin, I. (2013). Effect of blended learning environment on transfer of learning: an experimental study, *Journal of Computer Assisted Learning*, 29(6):518-529
- development, 55(2), 54-59
- Ebrahimi, S. Karami, M. Ahanchian, M & Mosannen, P. (2012). Applying Constructivism Theory to Web-Based Learning in Organizations: A Step Towards Effective Human Resource Management, *The Conference on Modern Management Sciences*, Gorgan. [In Persian]
- Ezzatzadeh, M. Rabie, A. Farhangi, A & Soltanifar, M. (2016). Identifying and Ranking of Social Network Success in Their Educational Roles from View of Media Elites. *Socio-Cultural Research*, *Journal of Rahbord*, 5(17): 95-112. [In Persian]
- Grabinger, S., Aplin, C., Ponnappa, Brenner, G. (2007). *Instructional Design for sociocultural learning environment*, *Ejournal of instructional Science and technology*, vol 10.no1.
- Graham, C. R (2006). Blended learning systems: Definition, current trends, and future directions. In C. J. Bonk and C. R. Graham (Eds.), *Handbook of Blended Learning: Global Perspectives, Local Designs*. San Francisco, CA: Pfeiffer Publishing.
- Herrington, J & Oliver, R (2000). An Instructional Design Framework for Authentic learning Environments, *Educational Technology Research and Development*. 48(3): 23-48
- Jonassen, D.(1999). *Activity theory as a framework for designing constructivist learning*

- Kadivar. P. (2013). *The Psychology of Learning from Theory to Practice*. Tehran: SAMT. [In Persian]
- Krasnova, T. (2015). A paradigm shift: Blended learning integration in Russian higher education. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 166,399-403.
- Liu, C.C., Tao, S.Y., & Nee, J.N.(2008b). Bridging the gap between students and computers: supporting activity awareness for network collaborative learning with GSM network. *Behaviour & Information Technology*, 27 (2), 127137
- Mayring, P. (2000). *Qualitative content analysis*. Qualitative Social Research Volume1. No2.
- Momeni Rad, A. Aliabadi, K. Fardanesh, H. & Mozayani, N. (2013). *Qualitative content analysis in research tradition: nature, stages and validity of the results*. Educational Measurement, 4(14): 187-222. [In Persian]
- Saif, A. (2015). *Modern Educational Psychology*. Tehran: doran. [In Persian]
- Sarmadi M, Veisi Tabar S.(2014). *Designation of Web-based Learning Focusing on Constructivism Epistemology*. TLR. 2014; 2 (4) :129-147. [In Persian]
- Sponcil M, Gitimu P. (2013). Use of social media by college students: Relationship to communication and self-concept. *Journal of Technology Research*; (4):1-13
- Swoboda, A. & Feiler, L. (2016). Measuring the Effect of Blended Learning: Evidence from a Selective Liberal Arts College. *The American Economic Review*, 106(5):368-372.
- Toofaninejad, E. Zaraii Zavaraki. E. Sharifi Daramadi,P. Dawson, S Nili, Delavar, A. (2018). Designing and Validating of Learning Environment Enriched by Virtual Social Network Instructional Model for Deaf and Hard of Hearing Students. *Psychology of Exceptional Individuals*, 8(29): 1-34. [In Persian]
- Volvi, P. (2013). *Constructivism, a New Approach to Education*. Ahvaz: Shahid chamran university.
- Zenger. & Uehlei. C. (2001). Why blended will win. *Journal of Training*.